

جلسه ۲۲۸ (۵) ۹۰/۳/۲

بسم الله الرحمن الرحيم

صاحب عروه در مسئله سیزدهم فرمودند اگر کسی مریض شود و در نتیجه نتواند روزه بگیرد و این مرض تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کند قضای ماه رمضان گذشته اش که مریض بوده از او ساقط می شود و باید برای هر روز یک مدّ طعام کفاره بدهد . قول دیگر این بود که اگر بعدا خوب شود باید قضای ماه رمضانی که مریض بوده را به جا آورد و دیگر لازم نیست کفاره بدهد ولی صاحب عروه قائل بود که به جا آوردن قضا از کفاره دادن مکفی نیست لذا در ادامه کلامشان فرمودند : « نعم الأحوط الجمع بينهما » یعنی أحوط این است که هم قضای روزه را به جا آورد و هم کفاره بدهد .

خوب و اما مدرک قول به احتیاط موثقه سماعة یعنی خبر ۴ از باب ۲۵ از ابواب احکام شهر رمضان می باشد ، خبر این است : « عَنْهُ (شیخ طوسی باسناده عن الحسين بن سعيد) عَنْ فَضَالَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ مَنْ أَفْطَرَ شَيْئًا مِنْ رَمَضَانَ فِي عَذْرٍ ثُمَّ أَذْرَكَ رَمَضَانَ آخَرَ وَهُوَ مَرِيضٌ فَلْيَتَصَدَّقْ بِمَدٍّ لِكُلِّ يَوْمٍ فَأَمَّا أَنَا فَإِنِّي صُمْتُ وَتَصَدَّقْتُ » . این روایت ظاهراً دلالت بر استحباب دارد زیرا حضرت می فرماید من خودم ، هم قضا را گرفتم و هم کفاره دادم در حالی که اگر وجوب بود حضرت می فرمودند ؛ همه باید چنین کنند .

خبر بعد خبر ۵ از همین باب ۲۵ می باشد ، خبر این است : « عَنْهُ (شیخ طوسی باسناده عن الحسين بن سعيد) عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى (واقفی است و ثقّه) عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَذْرَكَهُ رَمَضَانَ وَ عَلَيْهِ رَمَضَانٌ قَبْلَ ذَلِكَ لَمْ يَصُمْهُ فَقَالَ يَتَصَدَّقُ بِدَلٍّ كُلِّ يَوْمٍ مِنَ الرَّمَضَانِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ بِمَدٍّ مِنْ طَعَامٍ وَ لِيَصُمْ هَذَا الَّذِي أَذْرَكَ فَإِذَا أَفْطَرَ فَلْيَصُمْ رَمَضَانَ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ فَإِنِّي كُنْتُ مَرِيضًا فَمَرَّ عَلَيَّ ثَلَاثُ رَمَضَانَاتٍ لَمْ أَصِحَّ فِيهِنَّ ثُمَّ أَذْرَكْتُ رَمَضَانَ آخَرَ فَتَصَدَّقْتُ بِدَلٍّ كُلِّ يَوْمٍ مِمَّا مَضَى بِمَدٍّ مِنْ طَعَامٍ ثُمَّ عَافَانِي اللَّهُ تَعَالَى وَ صُمْتُهِنَّ » . این حدیث هم موثقه است (به دلیل وجود عثمان بن عیسی) و هم مضمرة است منتهی سماعة معمولاً

روایات متعددی از امام علیه السلام ذکر می کند و در اولی نام امام (ع) را می برد و بعد می فرماید ؛ عنه ، لذا این روایات بعداً که تفکیک شده اند مضمرة شده اند ، خوب در حدیث قبل مرض تا یک رمضان باقی بود ولی در این روایت تا چند رمضان باقی می باشد ، بعد صاحب وسائل اضافه می کند : « أَقُولُ حَمَلَهُ الشَّيْخُ عَلَيَّ لِاسْتِحْبَابِ بَدَلَالَةِ مَا قَبْلَهُ وَ غَيْرِهِ » اگر ظهور در استحباب هم نداشته باشد باز می گوئیم اخباری که قائل به عدم وجوب قضا بودند آشهر بودند و مشهور بر طبق آنها فتوا داده اند از این رو آن روایات ترجیح دارند .

تا اینجا آنچه گفتیم مربوط به عذری بود که ناشی از مرض باشد ، حال اگر عذر از روزه گرفتن در ماه رمضان چیزی غیر مرض باشد مثلاً به دلیل سفر در ماه رمضان چند روزی را روزه نگرفته باید آن روزها را قضا کند . صاحب عروه می فرماید : « و إن كان العذر غير المرض كالسفر و نحوه فالأقوى وجوب القضاء إن كان الأحوط الجمع بينه و بين المد » . در قرآن نیز می خوانیم : « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ » (بقره / ۱۸۴) ، این آیه دلالت دارد بر اینکه اگر کسی مریض شد یا مسافرت کرد باید قضای آن را به جا آورد ، خوب حالا باید ببینیم که آیا روایاتی که دلالت بر سقوط قضاء داشت مخصص این آیه هستند یا نه؟ صاحب جواهر قائل است که آن اخبار مخصص هستند ، اگر قائل شویم که با خبر جامع شرایط می توان قرآن را تخصیص زد در این صورت قرآن را تخصیص می زنیم به اینکه اگر مرض تا سال بعد ادامه پیدا کرد دیگر قضا ساقط می شود خصوصاً که در ما نحن فيه صاحب جواهر قائل به تواتر اخبار است نه صرف خبر واحد . مواردی که خبر واحد قرآن را تخصیص می زند متعدد است مثلاً در آیه دیگری از قرآن می خوانیم : « يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ » که این آیه با روایاتی که دلالت دارد حبوّه از آن ولد اکبر است تخصیص می خورد .

بحث دیگری که درباره آیه ۱۸۴ سوره بقره وجود دارد این است که آیا آیه مزبور عام یا مطلق است تا بتوان آن را تخصیص و یا مقید کرد یا نه ؟ اکثر آیات قرآن در مقام بیان اصل تشریح می

طَمِثَتْ أَوْ سَافَرَتْ فَمَاتَتْ قَبْلَ خُرُوجِ شَهْرِ رَمَضَانَ هَلْ يُقْضَى عَنْهَا
قَالَ أَمَّا الطَّمِثُ وَالْمَرَضُ فَلَا وَ أَمَّا السَّفَرُ فَنَعَمْ . این روایت سنداً
صحیح می باشد .

خبر ۱۱ این خبر است : « بِإِسْنَادِهِ (شیخ طوسی) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
مُحَمَّدٍ (ابن عیسی) عَنْ الْحُسَيْنِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ
(واقفی و ثقة است) عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ
اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ سَافَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَدْرَكَهُ الْمَوْتُ قَبْلَ أَنْ
يُقْضِيَهُ قَالَ يُقْضِيهِ أَفْضَلُ أَهْلِ بَيْتِهِ (پسر بزرگتر) . این خبر موثق
می باشد .

خبر ۱۵ این خبر است : « عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ سَيْفِ بْنِ
عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الرَّجُلِ يَسَافِرُ
فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَمُوتُ قَالَ يُقْضَى عَنْهُ وَإِنْ امْرَأَةً حَاضَتْ فِي
شَهْرِ رَمَضَانَ فَمَاتَتْ لَمْ يُقْضَ عَنْهَا وَالْمَرِيضُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ
يَصِحَّ حَتَّى مَاتَ لَا يُقْضَى عَنْهُ » .

خبر ۱۶ این خبر است : « عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلَاءِ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي امْرَأَةٍ مَرَضَتْ فِي شَهْرِ
رَمَضَانَ أَوْ طَمِثَتْ أَوْ سَافَرَتْ فَمَاتَتْ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ رَمَضَانُ هَلْ
يُقْضَى عَنْهَا فَقَالَ أَمَّا الطَّمِثُ وَالْمَرَضُ فَلَا وَ أَمَّا السَّفَرُ فَنَعَمْ » .

این احادیث در مقابل اخبار عیون و علل می باشند که سفر و
مرض را یکی می دانند بنابراین ما باید بحث کنیم و ببینیم که آیا
سفر و مرض یکی هستند یا نه ؟ . بقیه بحث بماند برای جلسه بعد
....

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

باشند مثلاً می فرماید ؛ باید نماز خواند و دیگر در مقام بیان اجزاء
و شرائط و بیان کل ما هو مؤثر فی الصلاة نیست از این رو اکثر
آیات قرآن چون در مقام بیان نیستند پس مطلق هم نیستند ، ()
البته صاحب جواهر قائل است که آیه مزبور در مقام بیان می
باشد) .

خوب حالا می رویم سراغ روایاتی که می گویند ؛ اگر سفر تا
سال بعد طول کشید مانند مرض لازم نیست روزه هایش را قضا
کند منتهی باید کفاره بدهد ، تنها یک خبر بر این مطلب دلالت
دارد یعنی خبر ۸ از باب ۲۵ از ابواب احکام شهر رمضان ، خبر
این است : « مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (شیخ صدوق) فِي الْعِلَلِ وَ
فِي عَيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفُضْلِ بْنِ شَادَانَ عَنِ الرَّضَا (ع) فِي
حَدِيثٍ قَالَ إِنْ قَالَ قَلِمٌ إِذَا مَرِضَ الرَّجُلُ أَوْ سَافَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ
فَلَمْ يَخْرُجْ مِنْ سَفَرِهِ أَوْ لَمْ يَقَوْ مِنْ مَرَضِهِ حَتَّى يَدْخُلَ عَلَيْهِ شَهْرُ
رَمَضَانَ آخِرٌ وَجَبَ عَلَيْهِ الْفِدَاءُ لِلأَوَّلِ وَ سَقَطَ الْقَضَاءُ وَإِذَا أَفَاقَ
بَيْنَهُمَا أَوْ أَقَامَ (مسافر قصد اقامه کرد) وَ لَمْ يُقْضَ وَ جَبَ عَلَيْهِ
الْقَضَاءُ وَ الْفِدَاءُ...إِلَى آخِرِ الْحَدِيثِ » .

این حدیث مفصل است ولی لب حدیث همین سؤالی است که
راوی از امام علیه السلام پرسیده که سؤال می کند که چرا در
مرض و در سفر حکم چنین است . همان طور که گفتیم مشهور
به این روایت عمل نکرده اند و در سفر (اگر تا رمضان سال بعد
طول بکشد) قائل شده اند که باید روزه هایش را قضا کند از این
رو صاحب جواهر می فرماید ؛ مشهور به این روایت عمل نکرده
اند ولی آیه الله خوبی که اعراض مشهور را معتبر نمی داند و آن را
دلیل بر عمل نکردن به روایت نمی داند سعی کرده است که ضعف
این روایت را ثابت کند .

خوب و اما اخبار داله بر وجوب قضا در سفر (که این اخبار با آیه
قرآن هم هماهنگ هستند) اخبار ۴ و ۱۱ و ۱۵ و ۱۶ از باب ۲۳ از
ابواب احکام شهر رمضان می باشند ، خبر ۴ این خبر است : « عَنْ
عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي
حُزَيْفَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ سَأَلْتُ عَنْ امْرَأَةٍ مَرَضَتْ فِي شَهْرِ
رَمَضَانَ أَوْ